

به نام خداوند یگانه

زبان، روایت و آثار تاریخی

ارائه دهنده: مریم شوریده
تهیه شده برای گروه متن مؤسسه ایکوموس ایران

زبان چیست؟

زبان



هرگاه اعضای اجتماعی با قلمروی مشترک نشانه‌هایی را ایجاد کنند و آن نشانه‌ها را بر مبنای قواعد قراردادی به هم بپیوندند تا از طریق آن اطلاعاتی را به یکدیگر انتقال دهند بگونه‌ای که آن اطلاعات برای دو طرف قابل فهم باشد، زبان پدید می‌آید.

پس، زبان: نظامی قراردادی، نشانه‌شناختی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی است که اعضای اجتماعی با قلمروی مشترک به کمک آن منظور هم را می‌فهمند و از این منظر از سایر اجتماعات متمایز می‌شوند.

هر زبان، فقط در قلمروی بسترش قابلِ درک است.

زبان در سیرِ زمان، پدید می‌آید و متحوّل می‌شود.

امّا اصول زبان همواره ثابت است یا به تعبیر درست‌تر تا حدود زیادی پایدار است.

زبان را می‌توان آموزش داد و می‌توان با خوانش و نگارش یک زبان در آن به مهارت رسید.

من می‌توانم با تمرین طراحی معماری، شاگردی در محضر استادان معماری، دیدن بناهای گوناگون، مطالعه تاریخ و پژوهش در زمینه معماری بیاموزم که به زبان معماری سخن بگویم و سخنان معمارانۀ دیگران را بخوانم، بفهمم و تحلیل کنم.

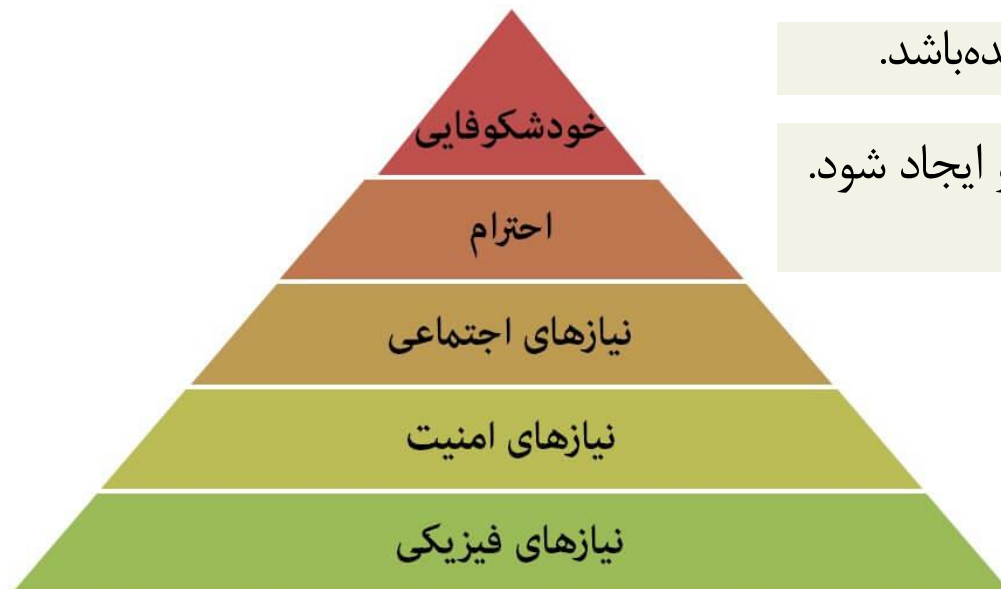
کاربرد اصلی زبان انتقال اطلاعات است.

انتقال اطلاعات سبب ایجاد شناخت است.

نیاز به شناخت در سطح نیاز به خودشکوفایی است.

برای نیازمندی به شناخت، یا فرد باید به درک این سطح رسیده باشد.

یا باید با کمک انگیزه‌دهنده‌های بیرونی و درونی احساس نیاز در او ایجاد شود.
(فرد باید احساس کند شناخت برای او نفع دارد).

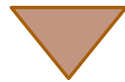


شناخت، عاملِ خشنودی درونی و رضایت و هیجان فردی است.

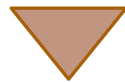
روایت

روایت، بر ادراک و مفهوم‌سازی تأثیر مثبت می‌گذارد.

روایت، بر عمق‌بخشی به تجربه زیستی افراد تأثیر گذار است.



شناخت ایجاد می‌کند.



خشنودی درونی و رضایت و هیجان فردی را سبب می‌شود.

روایت چیست؟



شیوه‌ای از به‌کارگیری زبان است که در آن، راوی یا راویان دربارهٔ **رخداد** یا **رخدادهایی** به مخاطب یا مخاطبان، اطلاعات می‌دهند.

مخاطب

رخداد

راوی

زبان

محصولِ روایت‌گری نیز روایت خوانده می‌شود.

کمینه‌گراترین محصولِ روایت، یک جملهٔ خبری است؛ مثلِ علی آمد.

اما روایت ممکن است از به هم پیوستگی زنجیروار مجموعه‌ای از اخبار نیز به دست آید.

ویژگی‌های اصلی روایت

موضوع روایت همیشه رخداد است.

راوی، واقعه، متن روایی و مخاطب اجزاء ضروری برای شکل گرفتن روایت است.

رخداد‌های متوالی ممکن است با هم دارای رابطهٔ زمانی یا علی و سببی داشته باشند.

رخدادها حتماً باید با هم رابطهٔ معنادار داشته باشند.

روایت‌ها باید نقطهٔ آغاز و پایانی داشته باشند که واقعه در میان آن‌ها اتفاق می‌افتد.

هر متن روایی از مؤلفه‌هایی تشکیل شده است که کیفیت مواجهه مؤلف یا راوی با آن مؤلفه‌ها انواع گوناگون روایت را پدید می‌آورد.

زبان روایت را می‌توان آموزش داد و می‌توان در روایت کردن به مهارت رسید؛ اما اثر روایی محصول اندیشه و سامانه معرفتی راوی است. به شدت به سوژه (فاعل شناسا/ در اینجا راوی و گزینش‌های او) متکی است.

من می‌توانم مؤلفه‌ها و اصول روایت، چگونگی گزینش موضوع روایت، شیوه‌های روایت و ... را بیاموزم. می‌توانم با تمرین نوشتن و خواندن آثار نویسندگان گوناگون، تاریخ ادبیات و ... در نویسندگی به مهارت برسم؛ اما وقتی نویسنده خواهم شد که بر اساس مجموعه‌ای از معیارهای درونی یا بیرونی سوژه‌ای را انتخاب کنم و از زاویه نگاه خویش آن را بیان (در اینجا روایت کنم)

یک موضوع ممکن است به صورت‌های بیشمار روایت شود. این صورت‌های بیشمار روایت حاصل روش‌ها، زوایای نگاه و گزینش‌های گوناگون راوی یا روایانی خواهد بود که هر یک خود صاحب اندیشه و فکرند.

یک راوی ممکن است درباره کالبد تخت جمشید روایت کند، راوی دیگر درباره تاریخ آن و راوی بعد درباره ادراک خویش از تخت جمشید.

خواندن روایت‌های گوناگون ما را با جهان‌های معرفتی گوناگون آشنا می‌کند.

آنچه روایت می‌شود ممکن است برگرفته از ذهن و تخیل نویسنده باشد و در واقعیت رخ نداده باشد. محصول این نوشته هرچند که ممکن است درون‌مایه یا سلسله‌رخدادهایی اقتباس شده از واقعیت داشته‌باشد؛ اما محصول پردازش راوی است و داستان‌نویسی و قصه‌پردازی است.

آنچه روایت می‌شود ممکن است محصول خوانش و قرائت راوی از عینیات بر بنیان مشاهدات تجربی یا شواهد عینی باشد؛ یعنی آن چیزی است که راوی از مشاهدات علمی خویش یا تفسیرهای شیوه‌مند شواهد تاریخی فهمیده و روایت کرده‌است.



روایت درون‌مایه داستان و تاریخ است.

خیال

واقعیت

داستان‌نویسی

تاریخ‌نگاری

در مقامِ فردی که با آثار تاریخی معماری سر و کار دارد، نوع دوم روایت؛ یعنی روایت علمی و تاریخی مورد نظر ماست.

بنابراین باید از قصه‌پردازی به شدت پرهیز شود.

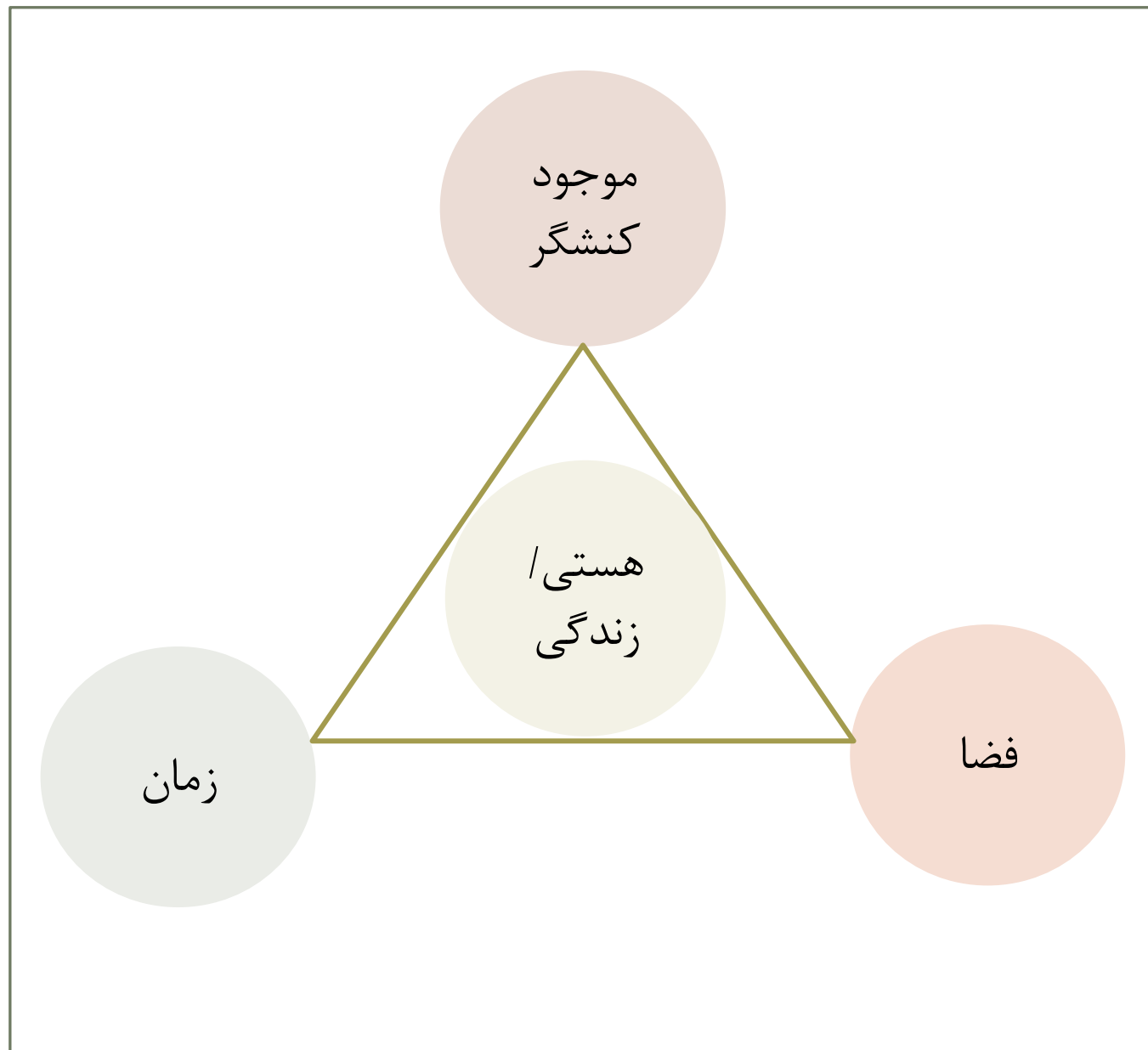
و نیز باید راوی زبان علم و تاریخ را به خوبی شناخته آدابِ آن را رعایت کند.

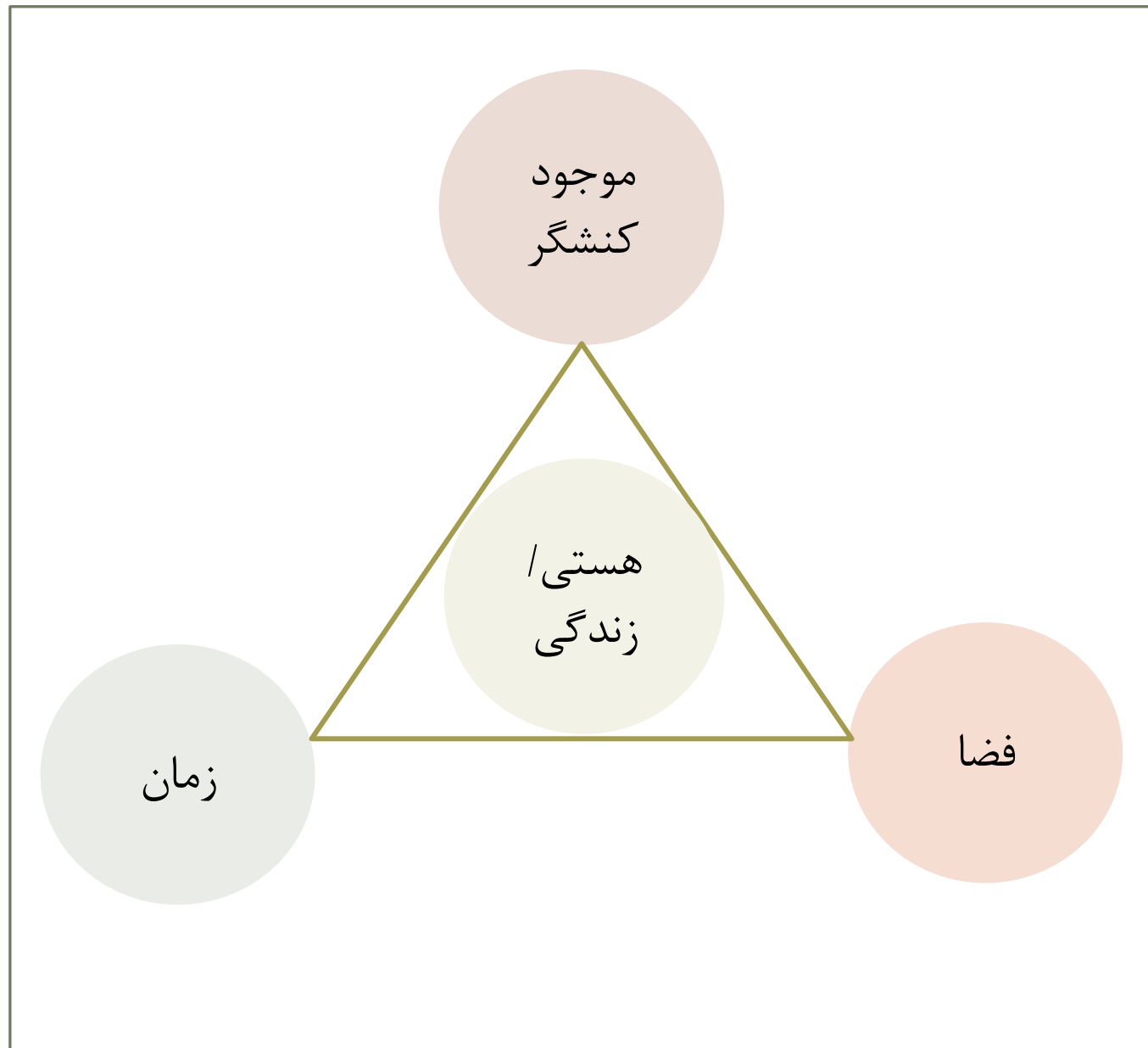
این نافیِ تعددِ روایات نیست. روایت‌های متعدد از یک موضوع همگی می‌توانند علمی و تاریخی باشند.

تاریخ چیست؟

تعامل سه مؤلفه فضا، زمان و موجود
کنشگر (آن که هست)، هستی را
می‌آفریند.

رخداد هستی تاریخ را می‌آفریند.





هرکنش نظام‌مندی، زبان‌مند است؛
یعنی از قواعد زبانی خودش پیروی
می‌کند.

بر اساس این تعریف زبان‌های گوناگونی در قلمروهای گوناگون اعضای جوامع مختلف را به هم پیوند می‌دهند؛ اما باید یادآور شد که زبان ادبی (زبان گفتار و نوشتار) زبان مرکزی و محور تمامی این زبان‌ها است.

این یعنی، ما با زبان‌های قلمروی خود سخن می‌گوییم و سخنان دیگران را می‌خوانیم (درک می‌کنیم)؛ اما به زبان ادبی آن‌ها را معنا و تفسیر یا درباره آن‌ها فکر و قضاوت می‌کنیم.

برای مطالعه بیشتر: فوکو، میشل، (۱۳۸۰)، نظم گفتار، ترجمه باقر پرهام، تهران: آگه، ج دوم، ص ۴۳.

زبان طبیعت

زبان روابط
عاطفی

زبان ادبی
(گفتار و
نوشتار)

زبان علوم و
پدیده‌های
اجتماعی

و ...

زبان هنرها

زبان تصویر

ادراک روایی

پورتر ابوت در کتاب سواد
روایت:

آیا می‌توان تصویر
مقابل را "خواند و از
ساختاربندی روایی
دوری جست؟"

Willy Stöwer

1912

1291

منبع تصویر: ویکی‌پدیا



معماری نیز یک کنش نظام‌مند از کنش‌های جهانِ هستی است.

معماری زبان نیست؛ بلکه زبان‌مند است.
یعنی کنشی نظام‌مند / شیوه‌مند است که زبانِ خاصِ خود را دارد.

معماری و روایت

زبان معماری

معمار: روایت‌گر
روایت کردن (روایتگری) شیوه‌ای برای
معماری کردن است.
اثر معماری: متن روایی



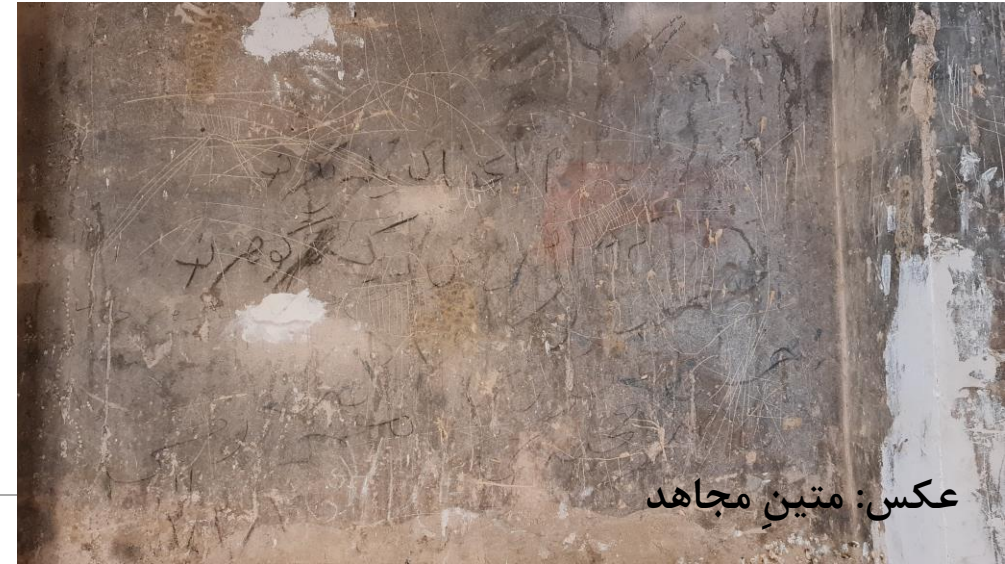
عکس: انیس درویشی

معماری و روایت

اثر معماری بسترِ نشانه‌هایی است که خود روایتگرِ تاریخ‌اند.



Image source: SHAHREFARANG.COM



عکس: متین مجاهد

معماری موضوعِ روایت‌های گوناگون است.

معماری و روایت



اثر معماری بستر وقوع روایت‌ها است.



اثر معماری دریچه‌ای است به سوی روایت‌های زیستی پدیدآورندگان، بهره‌برداران و بسترش

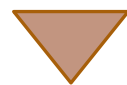
ما به عنوان اعضای گروه متن می‌توانیم

در مقام مترجمانِ روایت یا روایت‌هایی که معمار آن‌ها را در کالبد بنا را نهفته است

در مقامِ روایت‌پژوهانی که دربارهٔ روایت‌های مرتبط با معماری تحقیق می‌کنند

در مقام پژوهشگران تاریخ معماری و سازندگانِ روایت‌های نو دربارهٔ آثار تاریخی معماری

و در مقامِ روایت‌گرانِ تاریخ معماری



به چشاندن شیرینی خشنودی و رضایت درونی ناشی از شناخت کمک کنیم

و از این طریق آتشِ عشق به میراث فرهنگی را در دلِ مخاطبانِ خود بیافروزیم.

در این مسیر باید نسبت به موارد زیر شناخت کافی داشته باشیم



همچنین ضروری است، یادمان باشد:

همواره روایتِ ما باید مبتنی بر پژوهشی علمی باشد.

هرگز نباید قصه‌گویی را جایگزینِ روایتگری تاریخ و واقعیت را فدای ایجاد حلاوت کنیم.

در قدم اول ما باید به زمینِ مخاطب برویم و به زبانِ او سخن بگوییم و بعد کم‌کم او را با خود همراه کنیم

چشاندن نخستین شیرینی مهم است؛ اما تداوم و عمق بخشیدن به آن مهم‌تر
این تداوم و عمق‌بخشی با مواجه کردن مخاطب با روایت‌های متعدد؛ اما مستند دربارهٔ اثر معماری حاصل می‌شود.

آیا روایت‌های متعدد دربارهٔ یک اثر معمارانه وجود دارد؟

بله

آیا این روایت‌های متعدد به معنی تاریخ‌های متعدد یک اثر معماری است؟

خیر، هر موجود کنش‌گر در طول زیست خویش تاریخ واحدی را می‌آفریند، تجربه‌می‌کند و می‌فهمد؛ اما آن تاریخ وجوه و مراتب گوناگون دارد؛ همچنین رخداد‌های تاریخی متعدد، آن تاریخ واحد را می‌سازد.

روایت‌های گوناگون دربارهٔ تاریخ آثار معماری حاصل کیفیت گوناگون قرائت تاریخ‌نگار از آن موضوع است.

به علاوه روایت ممکن است روایتی مرتبط با علوم تجربی، روایتی هنری و ... نیز باشد.

آیا یک بار آموزش برای توانایی خوانش روایت و حساس کردن مخاطب کافی نیست؟ چه لزومی به تکرار است؟

ما فقط **زبان** را می‌توانیم آموزش دهیم. زبانِ معماری، زبانِ روایت، زبانِ تاریخ؛ اما روایت به اندیشهٔ سوژه و گزینش‌های او وابسته است.

بله ما یک بار حروفِ الفبا و قواعد آن را می‌آموزیم و همین برای خواندن کافی است.

گذشته از این که برای تشخیص ارزش متون، وزن‌دهی به آن، تحلیل و نقد آن نیازمند خواندن متون گوناگون و تسلط بر مهارت‌های زبانی هستیم،

برای شیرین‌کامی‌های پی‌درپی و چشیدن طعم خوش‌شناخت و غنی کردن آن باید روایت‌های گوناگون را بخوانیم.

چون من الفبا آموخته‌ام خود را از خواندن شاهنامه محروم نمی‌بینم. من با استفاده از الفبا می‌توانم شاهنامه را بخوانم. چون شاهنامه خوانده‌ام هم خود را از خواندن غزلیات حافظ و اشعار بیدل دهلوی و همسایه‌های احمد محمود و تاریخ طبری و هزاران روایت دیگر از زیست بی‌نیاز نمی‌بینم. بلکه آن‌ها را می‌خوانم و با هر بار خواندن به درک جدیدتری از راوی، روایت، خویش و جهان می‌رسم.

آیا این تعدد روایات بیم آسیب‌رسیدن به واقعیت را سبب نمی‌شود؟

البته که می‌شود. هر کنشی در این هستی در کنار منفعت‌ها آسیب‌هایی نیز دارد؛ اما می‌توان با آموختن زبانِ هر کنش و رعایت قواعد و آداب آن از آسیب‌ها تا حد زیادی کاست.

در اینجا به شرط آن که روایت ما مستند، مبتنی بر شیوه‌های علمی و واقعیت‌های عینی ضمن رعایت اصولِ زبانِ بازنمایی روایت باشد تا حدود زیادی از آسیب‌ها کم می‌شود

اگر من می‌خواهم روایت تاریخی از معماری برسازم علاوه بر زبان معماری باید روش‌های گردآوری شواهد تاریخی، وزن‌دهی به آن‌ها، تفسیر علمی آن‌ها، شیوه‌های تاریخ‌نگاری، مؤلفه‌های روایت و اصول روایت را بدانم و به کار ببندم در غیر این صورت روایت من قصه یا افسانه است و برای امر تاریخی آسیب جدی محسوب می‌شود.

خاطره کجای این بحث است؟

خاطره نوعی روایت است. بازنمایی ذهنی از آنچه ما تجربه کرده‌ایم.

خاطره به معنای به خاطر آوردن چه زمانی رخ می‌دهد؛ قبل از روایت یا پس از آن؟

از لحظه شکل‌گیری خاطره روایت ذهنی فرد به خاطر آورنده در حال ساخته‌شدن است؛ یعنی او در حال به خاطر سپردن و به خاطر آوردن همزمان است. ابتدا تجربه می‌کند، بعد آن تجربه را همزمان به خاطر سپرده و به خاطر می‌آورد و پس از آن تا سال‌ها آن خاطره را به شیوه‌ای ذهنی می‌پردازد. به گونه‌ای که گاه با واقعیت به خاطر سپرده‌شده متفاوت است و برای به یاد آوردن واقعیت بازپیرایی آن ضروری است.

اما اگر بخواهیم از زبان علوم تجربی یا روانشناسی صحبت کنیم نیازمند رجوع به تحقیقات علمی حوزه‌های مربوطه هستیم.

به امید موفقیت